

The new civilization of Islam in the framework of the state-building nation In the thought of the supreme leader of Iran

Abdol Hadi Salehizadeh^{*}

Received on: 18/11/2022

Ibrahim Abbaspour^{**}

Accepted on: 13/03/2023

Abstract

Purpose: The Supreme Leader of the Revolution is not only a distinguished thinker with strong opinions but has been guiding the Islamic society of Iran for over thirty years. His astute political understanding in contemporary world, as evidenced by analysis of his behavior, speeches, and decision-making at the national, regional, and international levels, is crucial in shaping the modern Islamic civilization. This research aims delve into his intellectual system and outline a pathway aligned with the transcendental goals of the Islamic Revolution. For this, we will explore his statements and address the context in which the new Islamic civilization can be realized, as well as the role that nation-building ummah plays in this transformative process.

Methodology: The Supreme Leader's thought has been investigated using the qualitative content analysis method.

Findings: The formation of modern Islamic civilization is a complex and continuous process with various stages. It starts with the Islamic revolution and the implementation of the Islamic system the means the implementation of the engineering plan and the general form of Islam. Once the Islamic system is established, focus shifts towards creating an Islamic state where the methods and character of the leaders align with Islamic values. The next stage involves the formation of an Islamic society and an Islamic country, where the entire nation

* Assistant professor of Islamic education group of Agricultural Sciences and Natural Resources University of Khuzestan , Iran. (Corresponding Author).

salehizadeh@asnrkh.ac.ir

 0000-0001-6177-4489

** Ph.D in Sociology, Imam Khomeini Educational & Research Institute, Qom, Iran.

eabbaspour@yahoo.com

 0000-0003-3861-5441



embraces Islamic values. Moving forward, the goal is to establish an Islamic Ummah and Islamic world, where the principles of Islam are adopted globally. According to the Supreme Leader, an Islamic world can be established through the creation of Islamic countries. The influence and example set by an Islamic country can inspire other nations to follow a similar path. The successful implementation of Islamic principles in one country can serve as a model for the rest of world.

Studies have focused on analyzing the role of key social components, such as nation-building ummah, government's agents, knowledge resources, technology, and future studies, in shaping modern Islamic civilization.

The guardianship system plays a vital role as it leadership, citizens, and societal elites, with the governor or leader at its core. The supreme believes that in order to create and manage such a society, the leader needs a committed community. This community must be so united and connected that no external factor can separate them. This unity, called Wilayat –guardianship- in Islamic culture, is crucial in a guardianship society.

According to the leader, a guardianship society has three interrelated dimensions: "internal continuity," which ensures unity within the society; "cease of external dependence," meaning independence from external influences; and "intel and practical connection with the guardian," which refers to a strong relationship between the people and their leader. This third dimension is considered the essence of Islamic society.

In the system outlined above, the intellectual and practical relationship with the guardian is of utmost importance as it guarantees the other dimensions and serves as the crucial aspect of the Islamic society.

Conclusion: The Supreme Leader outlines the stages of establishing an Islamic system in order to create a modern Islamic civilization. He emphasizes the importance of the nation-building ummah as a crucial step in the formation of Islamic state and system. By understanding the role and responsibilities of each societal layer, individuals within Islamic Ummah can align themselves with the revolution and follow the correct path towards achieving their goals. Understanding the roles and responsibilities of each societal layer within the Islamic Ummah is crucial in guiding individuals on the right path. This awareness not only provides a clear roadmap for individuals but also their revolutionary spirit and ensures logical decision-making.

Keyword: civilization, nation, system, cognitive evolution, government.

تمدن نوین اسلامی در بستر امت دولت ساز در اندیشه‌ی رهبر معظم انقلاب اسلامی

عبدالهادی صالحی زاده *

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۷

ابراهیم عباسپور **

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۲

چکیده

امت دولت‌ساز مفهومی اساسی در مجموعه فرآیندهای منتهی به تشکیل دولت اسلامی است؛ این مفهوم حلقه‌ی واسط بین نظام اسلامی و دولت اسلامی است که تحولات چهارگانه‌ای در راستای همسوسازی مردم با ولی به دنبال داشته تا به تشکیل دولتی بینجامد که روش و منش و نظامات و نهادهای آن اسلامی باشد و در مرحله‌ی بعد، تشکیل جامعه اسلامی و در نهایت تمدن نوین اسلامی را نوید خواهد داد. امت دولت‌ساز دارای لایه‌هایی است که هر لایه اهداف و وظایف مشخصی داشته و با دارا بودن جمعیت قابل توجهی، با برخورداری از تحولاتی که در بر خواهد داشت، کل جامعه را حمایت و پشتیبانی معنوی و معرفتی کرده و آن را در راستای وحدت با ولی و ارتباط با او بسیج خواهد کرد. این پژوهش با هدف ترسیم اندیشه‌ی رهبری در ایجاد تمدن نوین اسلامی در بستر امت دولت ساز به این سؤال پاسخ داده است که تمدن نوین اسلام در بستر امت دولت‌ساز چگونه شکل می‌گیرد؟ پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اسنادی اطلاعات، مسیر تشکیل تمدن نوین اسلامی را در سه بعد منش، روش و هدف امت دولت‌ساز از منظر ایشان تحلیل کرده است.

کلمات کلیدی: تمدن، امت، نظام، تحول معرفتی، دولت.

* استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان. (نویسنده مسئول).

iD 0000-0001-6177-4489

salehizadeh@asnruk.ac.ir

** دانش آموخته دکتری جامعه‌شناسی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) قم، ایران.

iD 0000-0003-3861-5441

eabbaspour@yahoo.com



بیان مسئله

در تعبیر نظری و مفهومی مقام معظم رهبری، بعثت برای هم‌رنگ شدن انسان‌ها به اخلاق الهی و اکمال مکارم اخلاق اتفاق افتاده است. به سخن دیگر پیغمبر برای ساختن انسان برانگیخته می‌شود و ابزار او نیز کارخانه انسان‌سازی یا همان جامعه و نظام اسلامی است. طبق استدلال ایشان پیغمبر یک‌تنه نمی‌تواند چنین جامعه و نظامی را استوار سازد. او نیز برای قوام دادن به انسان در بطن تشکیل نظام و جامعه اسلامی که از آن انسان ساخته و پرورده می‌شود نیازمند تشکیلات است. پیغمبر برای تشکیل آن کارخانه انسان‌سازی نیازمند یک جمع به‌هم‌پیوسته پویا و جویای آن هدف است (مقام معظم رهبری، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۵۲۰). در جامعه اسلامی موردنظر مقام معظم رهبری، رابطه‌ی خاصی بین امام و مردم وجود دارد که در صورت فراهم بودن همه‌ی شرایط و ایفای نقش همه‌ی ارکان نظام، می‌توان به جامعه اسلامی مطلوب نائل آمد. از نظر ایشان، در حال حاضر ما نمی‌توانیم ادعا کنیم که جامعه ما اسلامی به معنی واقعی کلمه است، بلکه ما می‌خواهیم آن نظام، آن تشکیلات و آن حکومتی را که بتوان این هدف‌ها را در آن محقق کرد، به وجود آوریم. این یک فرآیند طولانی و دشواری دارد؛ یک زنجیره منطقی وجود دارد؛ زنجیره مستمری که به هم مرتبط است. حلقه اول، انقلاب اسلامی است (در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۴). انقلاب که تحقق پیدا کرد، بلافاصله بعد از آن، تحقق نظام اسلامی است. نظام اسلامی یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن (در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲). بعد از آنکه نظام اسلامی پیش آمد، نوبت به تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی می‌رسد یا به تعبیر روشن‌تر، تشکیل منش و روش دولت مردان یعنی ماها، به گونه اسلامی شود. این مرحله سوم است که از آن به ایجاد دولت اسلامی تعبیر می‌کنیم. مرحله چهارم که بعد از این است، تشکیل جامعه اسلامی (و کشور اسلامی است) (در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۴). اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شد، آنگاه کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد. از این مرحله که عبور کنیم، بعد از آن، (در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲) تشکیل امت اسلامی (و دنیای اسلامی است) (در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۴). از کشور اسلامی می‌شود دنیای اسلامی درست کرد. الگو که درست شد، نظایرش در دنیا به وجود می‌آید (در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲).

بنابراین، دولت اسلامی نیاز به شرایطی دارد که نظام اسلامی به برکت انقلاب اسلامی در جامعه ایران به وجود آورده است؛ جمع و گروهی در درون نظام اسلامی باید شکل بگیرد که این جمع شرایط به وجود آمدن دولت اسلامی را فراهم سازند؛ این افراد شامل فرهیختگان، نخبگان و افراد جبهه حقی هستند که منش، روش و تشکیلات خاصی هستند که اصطلاحاً امت دولت‌ساز نام گرفته و خصوصیتی دارند. مفهوم اساسی در تحلیل فوق از مفاهیم تولیدشده‌ی انقلاب و به‌عنوان مثال «پیشرفت» با «امت دولت ساز»، هدف غایی پیشرفت از منظر انقلاب اسلامی ایران یعنی «پیشرفت انسانی» است که حلقه اتصال کلیه مراحل فرآیند با امت دولت ساز به‌عنوان نقطه عزیمت توسعه و تحقق «کارخانه انسان‌سازی» یعنی همان دولت و جامعه اسلامی است.

بررسی نقش مؤلفه‌های مهم اجتماعی در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی همچون امت دولت ساز، کارگزاران دولت، منابع معرفتی، فناوری و آینده‌پژوهی، موضوعاتی است که در مطالعات با این محور انجام پذیرفته است. یکی از پژوهش‌ها منش اعتمادساز کارگزاران دولت در تراز تمدن اسلامی بر اساس آموزه‌های نهج‌البلاغه و دیگری آسیب‌شناسی کارگزاران در تحقق دولت اسلامی در روند شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای است. تبیین نقش مؤلفه‌های اصلی جامعه در شکل‌گیری تمدن اسلامی، گام مهم بنیادی در ایجاد گفتمان تمدنی اسلام است. این پژوهش نیز به بررسی نقش امت دولت ساز در این زمینه از دیدگاه مقام معظم رهبری پرداخته است.

پیشینه‌ی پژوهش

حسن خدایی و حمیدرضا منیری حمزه کلایی (۱۳۹۸)، در مقاله‌ی «الگوی جستاری تشکیل دولت اسلامی با تأکید بر امت دولت ساز» علل تحقق نیافتن کامل اهداف انقلاب اسلامی در منظومه‌ی فکری آیت‌الله خامنه‌ای را بررسی می‌کند و به این پرسش پاسخ می‌گوید که آیت‌الله خامنه‌ای موانع تحقق کامل اهداف انقلاب اسلامی را چگونه علت‌یابی می‌کند و برای برون‌رفت از آنچه راه‌حلی پیشنهاد می‌دهد؟ پژوهش حاضر، علت اصلی تحقق نیافتن اهداف انقلاب اسلامی را شکل نگرفتن دولت مطلوب اسلامی دانسته و راه‌حل را شکل‌گیری امت دولت ساز، معرفی می‌کند.

محمد فولادی و فاطمه سادات حسینی (۱۴۰۰)، در مقاله‌ی «تحلیلی بر ابعاد و شاخصه‌های

تمدن نوین اسلامی ایرانی از منظر مقام معظم رهبری» می‌نویسند، از نظر مقام معظم رهبری، تمدن اسلامی چشم‌انداز مشترک امت اسلامی در سطح کلان است و بر اساس نظریه‌ی تمدنی آیت‌الله خامنه‌ای، حرکت تکاملی جمهوری اسلامی ایران در گرو «رویکرد تمدنی» و محقق ساختن الزامات مهم و راهبردی است. این مقاله با بررسی اندیشه مقام معظم رهبری برای دستیابی به تمدن اسلامی، فرایندی را قابل‌شناسایی می‌کند که در آن تشکیل نظام اسلامی، دولت اسلامی و جامعه اسلامی مقدمه‌ی دستیابی به تمدن نوین اسلامی است.

در مقالات متعددی به نظریه تمدنی مقام معظم رهبری توجه شده است اما همان‌طور که ملاحظه شد هرکدام از زاویه‌ای این مساله را مدنظر قرار داده‌اند و امت دولت ساز از نگاه مقام معظم رهبری را به‌طور خاص بررسی نکرده‌اند. این پژوهش با تمرکز بر بیانات و اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب، به بررسی مؤلفه‌های مهم تشکیل امت دولت ساز و مهم‌ترین ویژگی‌های آن پرداخته است.

چارچوب مفهومی پژوهش

امت

امت از نظر مفسرین در قرآن کریم به معنای جماعتی از مردم است، که اشتراک در هدف واحدی مانند دین یا سنت واحد یا وحدت در زمان و مکان آنان را مجتمع ساخته باشد. این کلمه در اصل لغت به معنای قصد است، أم یعنی قصد کرد و یوم یعنی قصد می‌کند (سید محمدحسین طباطبائی؛ ترجمه المیزان، ج ۷، ص ۱۰۳).

معنای کلمه امت در قرآن، از نظر عمومیت و وسعت تابع مورد استعمال، یا اراده گوینده است، کلمه نام‌برده در آیه «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ»، (بقره/۱۲۸) با در نظر داشتن مقام آن (دعا) جز به معنای عده معدودی از آنان که به رسول خدا (ص) ایمان آوردند نمی‌تواند باشد. جایی دیگر به معنای همه کسانی که به یک دین ایمان آورده‌اند، مانند مورد «تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ، لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ لَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ» (بقره /۱۳۴) که خطاب در آن متوجه تمامی امت است، یعنی کسانی که به رسول اسلام (ص) ایمان آوردند و یا همه کسانی که رسول اسلام (ص) به سوی آنان مبعوث شده است (همان، ج ۱، ص ۴۴۸-۴۴۷).

در آیه‌ی «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً» (انبیاء/۹۲) سخن از امت واحد است؛ امتی که برنامه‌ی آن‌ها و هدف و مقصد آن‌ها یکی بوده است، هرچند با اختلاف زمان و محیط، دارای ویژگی‌ها و روش‌ها و به اصطلاح تاکتیک‌های متفاوت بودند. این یگانگی و وحدت برنامه‌ها و هدف، به خاطر آن بوده که همه از یک مبدأ یعنی اراده خداوند واحد یکتا سرچشمه می‌گرفته است (ناصر مکارم شیرازی، برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۸۸).

در آیه‌ی «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً»، مراحل سیر زندگی بشر را بیان می‌کند؛ در مرحله اول، در ابتدا تضادی در میان انسان‌ها وجود نداشت، زندگی بشر و اجتماع او ساده بود، فطرت‌ها دست نخورده و انگیزه‌های هوی و هوس و اختلاف و کشمکش در میان آنها ناچیز بود. در مرحله دوم، زندگی انسان‌ها شکل اجتماعی به خود گرفت زیرا انسان برای تکامل آفریده شده و تکامل او تنها در دل اجتماع تأمین می‌گردد. در مرحله سوم، هنگام ظهور اجتماع، از نظر ایمان و عقیده و از نظر عمل و تعیین حق و حقوق هر کس و هر گروه در اجتماع اختلاف و تضاد به وجود آمد؛ در اینجا بشر به قوانین و تعلیمات انبیاء برای پایان دادن به اختلافات نیاز پیدا می‌کند. لذا در مرحله چهارم «فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ» (بقره/۲۳۰) (همان، ج ۱، ص ۱۹۲).

در آیه‌ی «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ»، (آل عمران/۱۱۰) بحث امت وسط را بیان می‌کند؛ شما امت مسلمه‌ای خالص در عبودیت برای خدا می‌شوید و رسول در این مقام پیشقدم و هادی و مربی شما است و شما واسطه‌اید برای رساندن مردم به او؛ وسط بودن امت، به این معنا است که میان رسول و مردم واسطه‌اند. (سیدمحمدحسین طباطبائی، ترجمه المیزان، ج ۱، ص ۴۸۷).

منظور خداوند از امت، افرادی است که مصداق آیه‌ی «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ»، (آل عمران/۱۱۰) هستند و آنان امت وسط و بهترین امت‌اند که خدا برای مردم خلقشان کرده است (همان، ج ۱، ص ۴۹۹).

در روایتی از کافی از حضرت صادق (ع) در مورد معنای آیه‌ی «وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» (اعراف/ ۱۸۱) می‌فرماید، آن امت، ائمه (ع) هستند (کلینی، کافی ج ۱، ص ۴۱۴، ح ۱۳). الدر المنثور در تفسیر این آیه گفته است که رسول خدا (ص) فرمود: در میان امت من همواره عده‌ای هستند که پایدار بر حقند (جلال‌الدین سیوطی، الدر المنثور، ج ۳، ص ۱۴۹). در

مجمع البیان و در تفسیر عیاشی، در ذیل آیه، از امام صادق ع روایت آمده که فرمود: یعنی امتی که دعای ابراهیم در حقشان مستجاب شده، اینان امتی هستند که انبیا در میان آنها و از خود آنها و به سوی آنها مبعوث می شدند و آنان امت وسطی هستند که در آن آیه فرمود: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا» (بقره/۱۴۳) و همان هایند بهترین امتی که برای مردم (و هدایت آنان) برانگیخته شدند. (سیدمحمدحسین طباطبائی، ترجمه المیزان، ج ۳، ص ۵۹۰).

باتوجه به کاربردهای مختلف مفهوم امت باید گفت: امت اولاً شامل همه‌ی افراد جامعه اسلامی نمی‌شود، ثانیاً به اختلاف موارد کاربرد معنای آن نیز تغییر می‌کند، ثالثاً، امت شامل گروهی برانگیخته است (ولتکن منکم امه) (اخرجت للناس)، رابعاً برگزیدگان مسلمانانند (خیر امه)؛ خامساً، اهل دعوت به خیر هستند (یدعون الی الخیر) و اهل امر به معروف و نهی از منکر هستند (یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر) و از همه مهم‌تر اینکه، واسطه‌ی بین ولی و مردم هستند و نهایتاً تشکیل امت واحده ناظر به سرچشمه اصلی یعنی توحید و منبع و حیانی و عقلانی است.

امت دولت ساز

بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری، در نظام اسلامی، مدیریت جامعه بر اساس حکومت ولایی در ظل حکومت الهی بوده و خداوند امور اجتماعی و سیاسی را به رهبر جامعه که در ادامه حکومت خداوند است واگذار می‌کند. در نظام ولایی، ولایت سیستم منسجمی است که مدیریت جامعه را به دست می‌گیرد و در واقع نظام ولایی شامل رهبر، مردم و نخبگان جامعه است که ولی یا رهبر در مرکز آن قرار دارد. چرا که طبق نظر معظم له، پیامبر هم به تنهایی به اداره‌ی جامعه نپرداخت، بلکه اداره‌ی جامعه توسط کارگزاران و نخبگان جامعه صورت می‌گیرد که تحت رهبری انسانی الهی بوده و بر اساس شرع و قوانین الهی حدود و ثغور جامعه اسلامی و رفتار امت را تعیین می‌کند. در این نظام رابطه بین رهبر یا امام با امت، رابطه‌ای هدایت‌گری است که رهبر نقش راهنما و مدیریت داشته و در جهت نیل به سعادت دنیوی و اخروی امت را هدایت می‌کند؛ «رهبری، یک مدیریت کلان ارزشی است» (بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۱۹).

به اعتقاد رهبری، پیامبر و امام برای ایجاد و مدیریت چنین جامعه‌ای، به یک جمع و جبهه اهل حقی نیاز دارد که او این جمع و افراد آن را مثل پولاد آبدیده باید به هم بتاباند و چنان اتصال و

وحدتی بین آنها برقرار سازد که هیچ عاملی نتواند آنها را از یکدیگر جدا کند. این وحدت توسط کسی در جامعه به وجود می‌آید که در فرهنگ اسلامی و در جامعه ولایی، ولایت نامیده می‌شود (همان).

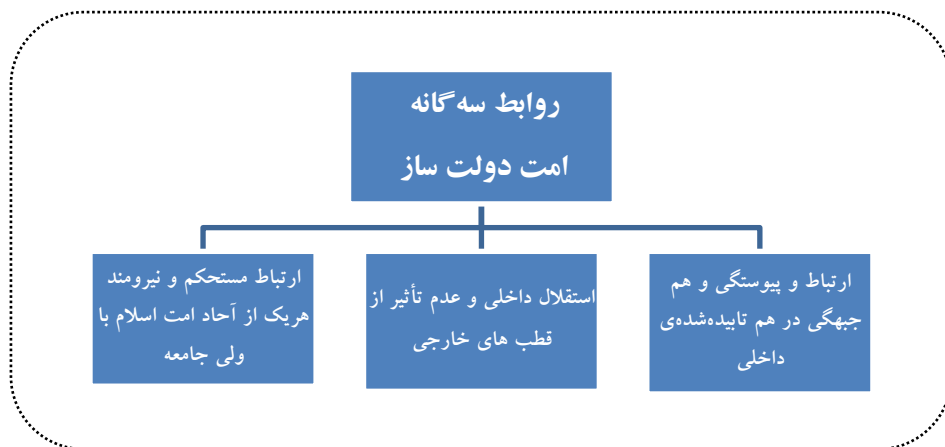
از نظر مقام معظم رهبری، در جامعه ولایی، امت روابط سه‌گانه‌ای دارند؛ که عبارت است از «ارتباط و پیوستگی و هم‌جهگی در هم‌تاییده‌شده‌ی داخلی»، «استقلال داخلی و عدم تأثیر از قطبهای خارجی» و «ارتباط مستحکم و نیرومند هر یک از احاد امت اسلام با ولی».

یک رابطه، مربوط به روابط داخلی است؛ امت اسلامی وقتی دارای ولایت به معنای قرآنی است که کمال همبستگی و اتصال و اتحاد صفوف و فشردگی هرچه بیشتر احاد و جناح‌های مختلف را در خودش تأمین کند. هیچ‌گونه تفرقی و اختلافی در سرتاسر امت عظیم اسلامی نباشد. صف‌های گوناگون در داخل امت اسلامی تشکیل نشود.

اما در زمینه‌ی روابط خارجی، عالم اسلام باید سعی کند روابط خود را جووری با دنیای غیرمسلمان و غیر این امت تنظیم کند که یک‌ذره تحت فرمان آنها قرار نگیرد، یک‌ذره تحت تأثیر افکار آنها قرار نگیرد. هم‌جهگی و پیوستگی ملت مسلمان با آنها به‌کلی ممنوع است؛ در صورتی که این پیوستگی موجب شود که امت مسلمان تحت تأثیر قرار بگیرد. به این معنی که امت مسلمان با امت‌های غیرمسلمان ولایت، پیوستگی و پیوند جوهری و ماهوی ندارد.

رابطه سوم رابطه بین امت و امام است؛ اگر جامعه‌ای بخواهد ولایت به معنای تام قرآنی را داشته باشد و تمام نیروها در یک‌جهت و جبهه قرار داشته باشند، این امت احتیاج به یک نقطه قدرت متمرکز در متن جامعه اسلام نیاز دارد که تمام نیروهای داخلی به آن نقطه بپیوندند، همه از آنجا الهام گرفته و از او حرف بشنوند و او تمام مفاسد و مصالح را بدانند. این نقطه متمرکز از منظر قرآن امام نام دارد؛ وجود و حیاط پیکر بزرگی به نام امت اسلامی و توفیق آن منوط به ارتباطش با این مرکز، با این قلب متحرک و پرهیجان، مستحکم و نیرومند است؛ ارتباطی فکری و عملی (مقام معظم رهبری، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، صص ۵۲۶-۵۳۱).

با توجه به این مبحث، دولت‌سازی نیازمند فعال‌سازی یک نقطه مرکزی عملیاتی است تا بر استوانه‌های آن استوار شده و با اتکا به آن، قدم‌به‌قدم و تدریجاً مایه‌ی آن قوام می‌یابد. همان‌گونه که



رهبر معظم انقلاب می فرمایند حتی پیغمبر نیز برای جامعه سازی و به طبع انسان سازی نیازمند پرورش دادن و آماده ساختن گروهی از انسان های آماده است و یک تنه نمی تواند به جامعه سازی اقدام کند:

«پیغمبر وقتی که می آید برای اینکه بتواند جامعه مورد نظر را که همان کارخانه انسان سازی است، تشکیل دهد برای این کار احتیاج دارد به یک جمع به هم پیوسته متحد، دارای ایمان راسخ، از اعماق قلب مؤمن و معتقد به این مکتب، با گام استوار و پویا و جویای آن هدف. یک چنین جمعی را پیغمبر اول کار لازم دارد» (مقام معظم رهبری، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۵۲۰).

در تبیین این سه رکن و سه نوع رابطه در جامعه ولایی، باید گفت که اهمیت بررسی و چگونگی ظهور امت دولت ساز در بیانات مقام معظم رهبری تا آنجاست که ایشان یکی از شقوق ولایت را به هم پیوستگی و هم جبهگی و اتصال شدید یک عده انسان دارای فکر واحد و جویای یک هدف واحد می دانند و این همان تعریف تشکیلات است. در بالا به دو بعد از ارکان اصلی ولایت از منظر رهبر معظم انقلاب که خود ایشان نیز به طور صریح بیان فرموده اند اشاره شد. بر اساس بیانات معظم له، علاوه بر دو بعد فوق، مهم ترین بعد ولایت که مرکز نشاط آفرین آن را تشکیل می دهد «ولی یا امام» است. رهبری الهی، با برخورداری از ولایت ذات باری تعالی، محور و رکن اساس حکومت مطلوب و پیام آور مبدأ هستی برای مردم است که قوانین و مقررات الهی را به مردم ارائه می کند (محمدعلی محسن زاده، دولت اسلامی، ص ۸).

بنابراین بر اساس تقسیم‌بندی مقام رهبری، ولایت دارای سه بعد به هم مرتبط «پیوستگی داخلی»، «قطع وابستگی خارجی» و «ارتباط فکری و عملی با ولی» به‌عنوان قلب متمرکز و تپنده جامعه اسلامی است. در منظومه طراحی شده فوق، بُعد سوم یعنی ارتباط فکری و عملی با ولی مهم‌ترین و تضمین‌کننده سایر ابعاد است. همچنانکه رهبری ولایتی در رأس نظام، شرط لازم و رکن زیربنایی اسلامیت و مشروعیت حکومت است. اما شکل‌گیری دولت اسلامی و تحقق جامعه اسلامی و درنهایت کشور اسلامی، مستلزم آن است که مدیران نظام در سطوح عالی، میانی و سطوح پایین، همه از چهره‌های دین‌دار و دین‌مدار و معتقد و متدین به اسلام و حکومت مبتنی بر ولایت‌فقیه باشند (همان).

یک وظیفه‌ی دیگری که همیشه باید موردنظرمان باشد به‌خصوص امروز، وظیفه‌ی مرزبندی صحیح و صریح با جبهه‌ی دشمن است؛ مرزبندی. آیه‌ی شریفه می‌فرماید: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَّاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ [ابداً] حَتَّى تُوْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ» (ممتحنه/۴). قرآن فقط تاریخ نگفته، تصریح می‌کند که این اسوه‌ی حسنه‌ای است برای شما- «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ»- یعنی باید این‌جوری باشید، مرزبندی باید بکنید. مرزبندی به معنای این نیست که ما رابطه‌مان را قطع بکنیم؛ توجه بکنید، مغالطه نکنند که شما می‌گویید ما با همه‌ی دنیا دشمنیم؛ نه، مرزبندی کنید، مرزها مخلوط [نشود]. مثل مرز جغرافیایی؛ در مرز جغرافیایی شما بین کشور خودتان و کشورهای اطرافتان مرز معین می‌کنید؛ معنای این مرز این نیست که شما نمی‌روید آنجا، آنها نمی‌آیند اینجا؛ معنای این مرز این است که هر رفت‌وآمدی منضبط خواهد بود. معلوم باشد کی می‌رویم، چه کسی می‌رود، چه‌جور می‌رود؛ چه کسی می‌آید، کی می‌آید، چه‌جور می‌آید، چرا می‌آید؛ مرزبندی در مرزهای جغرافیایی این‌جور است؛ در مرزهای عقیدتی هم همین‌جور است (بیانات در دیدار علما و روحانیون خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۱۹).

یکی از آثار و لوازم عدم ارتباط با خارج، مرزبندی محکم این جبهه با جریان‌های مذذب و نفاق و عدم تردید و دودستگی در برخورد با منافقین است؛ آیه‌ی شریفه «فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِتْنَةٍ وَاللَّهُ أَرْكَسُهُمْ...» (نساء/۸۸) با وضوح به مرزبندی و مقابله با منافقین و جریان‌های مذذب اشاره می‌کند؛ وقتی شفاعت ناپسند سهمی از بدی و زشتی خود را به‌واسطه و شفیع می‌دهد، پس

ای مؤمنین شما را چه می‌شود که درباره منافقین دودسته شده‌اید و دو حزب تشکیل داده‌اید؟ یکی می‌گوید: باید با آنان جنگ کرد، دیگری در مقام شفاعت بر می‌آید که زنهار با آنان جنگ نکنید، این دسته از شجره فسادى که با رشد منافقین رشد می‌کند اغماض می‌کنند و آیا می‌خواهند این منافقین را که بعد از بیرون شدن از ضلالت یعنی بعد از مسلمان شدن دوباره به سزای گناہانی که کردند به طرف ضلالتشان برگردانیده، به راه خدا برگردانند؟ آیا می‌خواهند با شفاعت خود کسانی را هدایت کنند که خداوند گمراهشان کرده؟ با اینکه وقتی خدا کسی را گمراه کرد دیگر راهی به سوی هدایت ندارد. (سیدمحمدحسین طباطبائی، ترجمه المیزان، ج ۵، ص ۴۴) خداوند در این آیه لزوم تشکیل جبهه واحد در مقابل دشمن و منافقان را که مرز خود را بین دوستان و دشمنان مشخص نمی‌کنند، را مورد تأکید قرار می‌دهد. در رویکرد فکری رهبری معظم انقلاب نیز بر لزوم مرزبندی با دشمنان و کسانی که ثبات قدم در راه حق ندارند و بادی به هر جهت هستند، تأکید شده است.

در ادبیات رهبر معظم انقلاب روشن است که هر سه بعد ولایت نشان‌دهنده چگونگی ایجاد نیروهای مؤمن و به هم پیوستگی آنها و ارتباط آنها با «ولایت» برای تحقق جامعه اسلامی است و نشان از فصل ارتباط امت دولت ساز با دولت اسلامی دارد. امت دولت‌ساز و دولت اسلامی خطوط معرفتی و عملیاتی مشابهی دارند که نشان از هم‌پوشانی‌هایی قابل توجه و گسترده در بین آنها دارد. یک نکته‌ی قابل توجه این است که امت دولت‌ساز نیروی لازم جهت به حرکت درآوردن عوامل دولت اسلامی را در خود دارد و در این راستا حرکت می‌کند. از طرف دیگر، بین دولت و امت یک رابطه رفت و برگشتی و تعامل سازنده از نوع اثرگذاری و اثرپذیری هم وجود دارد که نوعی اتحاد و همبستگی بین آنها به وجود می‌آورد، زیرا در فرهنگ ولایتی که معانی بر اساس عقل از منبع و حیانی گرفته‌شده و در جامعه تزریق می‌شود، همه افراد با هم اتحادی برقرار می‌کنند که در عین تشتمت و کثرت، وحدت و همبستگی در جامعه به چشم می‌خورد. این جامعه، به پشوانه‌ی عقل، دارای فرهنگ منسجمی بوده و از وحدت حقیقی هم برخوردار است، زیرا انسجام نظام عقلانی بوده و فطرت عقلانی انسان، آنها را با هم مرتبط می‌کند، اما با سقوط از این مرحله، عامل وحدت‌بخش کثرات از بین رفته و تشتمت به وجود می‌آید.^۱ بنابراین، در فرهنگ عقلی، افراد با

۱. «تحسبهم جمعاً و قلوبهم شتی» (حشر/۱۴)

حفظ تکثرات ذیل یک معنای عقلی به یک وحدت می‌رسند، که معنای عقلی بر همه تکثرات حمل می‌شود و غیر از وجود و هویت شخصی افراد، هویت جمعی هم وجود خواهد داشت که نافی هم نیستند، چراکه هویت جمعی یافتن، به معنای بازگشت به حقیقت خود است، زیرا هر دو از یک منبع عقلانی صادر شده‌اند که در زیست جهان زندگی، نقش خود را در ارتباط با حقیقت در عالم کثرت ایفا می‌کند و به عبارتی، اقتضای آن معناست که گاهی به صورت فردی عمل می‌کند و گاهی هویت جمعی می‌یابد.

در اندیشه‌ی جامع و منسجم رهبر معظم انقلاب، امت دولت‌ساز گروه نخبگان و «خواص معتقد به اسلام ناب محمدی (ص) است که با توجه به اصول، پایه‌ها، ارزش‌ها و شعارهای اصلی انقلاب اسلامی»، دارای ایمان راسخ، مؤمن و ارتباط مستحکم و نیرومند با ولایت فقیه بوده، «منش و روش اسلامی» داشته، ضمن این‌که به هم پیوسته متحد، دارای قدرت تحلیل، استوار، پویا و جویای هدف واحد است که در قالب «تشکیلاتی منسجم، منظم، با تقسیم وظایف و فعالیت زنجیره‌ای»، نقشه‌ی راه تحقق دولت اسلامی را طراحی و با فعال‌سازی و به‌کارگیری ظرفیت‌های مردمی برای تحقق آن، مجاهدت و نقش اصلی را ایفا می‌کنند.

در جهت تبیین امت دولت‌ساز باید دانست که استعدادهای انسان در اجتماع شکوفا شده و انسان از طریق تعامل و ارتباط با همدیگر است که قدرت تأمین نیازهای خود را پیدا می‌کند و این آن چیزی است که در اندیشه فلاسفه به مدنی بالطبع بودن انسان مربوط دانسته می‌شود. بر اساس اندیشه رهبری هم، پیغمبر (ص) برای این‌که بتواند جامعه موردنظر را که همان کارخانه انسان-ساز است، تشکیل دهد، نیاز به یک جمع به هم پیوسته متحد، دارای ایمان راسخ، از اعماق قلب مؤمن و معتقد به این مکتب، با گام استوار و پویا و جویای آن هدف دارد (مقام معظم رهبری، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۵۲۰). چراکه از منظر رهبر معظم انقلاب، هدف انقلاب اسلامی، تشکیل نظام اسلامی و دولت اسلامی و جامعه اسلامی است که در پرتو آن بتوان جامعه‌ای تشکیل داد که انسان مسلمان معتقد، وظایف خلیفه‌اللهی خود را به بهترین وجه به نمایش بگذارد. جامعه اسلامی هم جامعه‌ای نیست که تنها به دنبال پیشرفت مادی و توسعه مکانی و تکنیکی باشد، بلکه چنین جامعه‌ای جامعه و کارخانه انسان‌ساز است که به‌جای توسعه مادی و تکنولوژیکی،^۱

۱. البته توسعه مادی و تکنولوژیکی هم می‌تواند در جامعه اسلامی به وجود بیاید و منافاتی با تعالی معنوی ندارد.

مفهوم پیشرفت و تعالی را مدنظر دارد که انسان با ورود در این جامعه شکوفایی فطری و معنوی را دنبال می‌کند؛ زیرا این جامعه تحت رهبری انسانی قدسی است که دفائن عقول انسانی را نشانه رفته و به دنبال احیای فطرت الهی انسان است. بنابراین، از منظر رهبر معظم انقلاب، وجود نظام اسلامی و به تبع آن وجود تشکیلات سازماندهی شده در جهت نیل به این هدف، گریزناپذیر است؛ زیرا تقسیم‌کار در دنیای امروز یکی از اصول جوامع انتظام یافته است که بر مبنای اصول و اهداف خاصی در حرکت است.

در جای دیگری، مقام معظم رهبری گروهی را با نام خواص جبهه حق خطاب می‌کنند که اهل فکر و فرهنگ‌اند و با شناخت کامل حق در حرکت‌اند. در همین موضع، ایشان این گروه را با عبارت خواص طرفدار حق مورد خطاب قرار می‌دهند (بیانات در دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله، ۱۳۷۵/۳/۲۰).

ویژگی‌های امت دولت ساز

با توجه به بیانات مقام معظم رهبری و تحلیل محتوای آن‌ها، باید دید که منش امت دولت‌ساز چگونه بوده و از چه روشی در راستای تحقق اهداف خود استفاده می‌کنند.

منش دولت ساز

نحوه‌ی کردار یا رفتار کنشگر را منش آن کنشگر می‌گویند؛ در واقع به مخاطب یادآور می‌شود که از یک نمایشگر انتظار می‌رود چه نقشی را بازی کند. ویژگی‌ها و صفات اخلاقی و کنش اجتماعی مبتنی بر ساختار شخصیتی مشترک افراد یا اعضای جامعه، اجتماع یا طبقه و گروه اجتماعی را که بر اساس سبک زندگی و انتظارات و نیازمندی‌های اجتماعی آنها شکل می‌گیرند و تقویت می‌شوند را منش اجتماعی می‌گویند (خلیل میرزایی، فرهنگ توصیفی علوم اجتماعی، ص ۱۰۱۶).

در این مقاله منظور از منش، مجموعه اعتقادات، اخلاقیات و ملکات نفسانی نمایانگر هویت، شخصیت و شاکله وجودی افراد مؤمن و انقلابی و حاضر در صحنه است که مشخصاتی را خواهد داشت؛ انقلابی بودن از جمله خصوصیات و منش اجتماعی انسان مؤمن و پیشرو در جامعه است که رهبر معظم انقلاب بر آن تأکید دارند. از نظر ایشان، امتی اگر بخواهد تأثیرگذاری خود در دنیا را حفظ کند، ایستادگی بر شخصیت و منش و چهره‌ی انقلابی است؛ در این مسیر و با این هدف

است که وحدت نیروهای وفادار به آرمان‌های انقلاب حفظ‌شده، نیروها شجاعت خود را بازیابی می‌کنند؛ از طرفی دیگر، وحدت و همبستگی بین امت و مسئولان و مخصوصاً رهبر، از عناصری است که در هیچ جای دنیا به سبب غلبه دنیاگرایی که نتیجه تخصص‌گرایی است، پیدا نمی‌شود (سخنرانی در دیدار با ائمه جمعه، ۱۳۶۸/۰۸/۰۳).

رهبری معظم از این عبارت در بیانات اخیرشان با عنوان جامع «مؤمن متعبد انقلابی»، امام خمینی را الگو قرار داده و او را نمونه کاملی برای یک انسان انقلابی معرفی کردند. از نظر ایشان دستیابی به اهداف انقلاب برای نظام تنها در صورت حفظ روحیه و منش انقلابی میسر است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۵/۳/۱۴).

تقوا و خودنگهداری جمعی و فردی از مفاهیمی است که در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری در پیشبرد اهداف انقلاب از اهمیت خاصی برخوردار بوده و نیروی عظیمی در اختیار انسان قرار می‌دهد؛ تقوا مایه‌ی این است که یک فرد یا یک جامعه، در هر میدانی که وارد می‌شود، موفق شود (بیانات در دیدار با فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶/۰۶/۲۶).

پرورش اخلاقی و معنوی که از طریق مواظبت حسنه و منش و رفتار نیکو به دست می‌آید، حیثاً دارای اهمیت بیشتری از آموزش‌های دینی است. امید است با تکیه بر ظرفیت‌های علمی و عملی و بهره‌گیری از تجربیات قبلی، توفیقات روزافزونی بر ادای وظیفه‌ی مهم خود داشته باشید (حکم انتصاب حجة‌الاسلام محمود قوچانی به ریاست عقیدتی سیاسی ارتش، ۱۳۷۴/۰۲/۰۷).

عدم پیروی از هوای نفس: در سپهر اندیشه مقام معظم رهبری می‌توان این عامل را از زیرمجموعه‌های انقلابی بودن نیز برشمرد؛ ایشان نیل به اهداف انقلاب را در گرو تزکیه و دوری از هوای نفس می‌داند که البته همه این‌ها برگرفته از آیات قرآن و روایات معصومین (ع) هستند و نمود آن را می‌توان در فرد انقلابی مانند امام خمینی (ره) مشاهده کرد (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲).

انتخاب الگوی شایسته، (گفت‌وشنود صمیمانه رهبر معظم انقلاب اسلامی با گروهی از جوانان و نوجوانان، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴) شجاعت همراه با تدبیر؛ آنچه که در منش انقلاب اسلامی می‌توان به روشنی از آن سخن گفت، عبارت است از شجاعت همراه با تدبیر (بیانات رهبر معظم انقلاب

اسلامی در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۰۷/۱۸). امید به آینده؛ رهبر معظم انقلاب امیدآفرینی را یکی از وظایف مهم نخبگان جامعه در وضعیت کنونی می‌داند؛ به اعتقاد ایشان، تحرک و پویایی علمی نسل جوان در کشور نتیجه‌ی امید به وجود آمده در نسل جوان است، لذا باید این امید را روزبه‌روز بیشتر کنیم (بیانات در دیدار مسئولان و نخبگان استان همدان، ۱۳۸۳/۰۴/۱۹). پیشرو بودن؛ از نظر رهبری، پیشرفت و تجدد از خواسته‌های جدی اسلام از جامعه اسلامی است و امت اسلامی باید در این امر پیشرو باشند؛ ایشان پیشرفت را از جمله مبانی ارزشی اسلام در بعد انقلابی بودن معرفی کرده و بر پیشرفت و عدم سکون در تمامی جنبه‌ها با رعایت اصول شرعی تأکید می‌کنند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۵/۳/۱۴). حضور در صحنه‌های سیاسی- اجتماعی؛ رهبری حضور پرشور در تمامی صحنه‌های سیاسی- اجتماعی را از نشانه‌های منش انقلابی و اسلامی انسان می‌داند که نشانگر چهار مفهوم اساسی است: اول موضعگیری سیاسی ملت را؛ دوم عواطف سرشار و وفای فراوان مردم به اسلام و انقلاب و رهبر عظیم‌الشأن و دلسوزان و خدمتگزاران این ملت را؛ سوم نشاط روحی ملت را- ملتی که در صحنه است و در همه‌ی حوادث مهم جامعه حضور خود را نشان می‌دهد- و چهارم امید اجتماعی و اینکه این ملت یک ملت امیدوار و خوش‌بین به آینده است. این چهار مفهوم؛ یعنی موضعگیری سیاسی، وفای عاطفی و نشاط روحی و امید اجتماعی، جمع‌بندی همه‌ی اجتماعات عظیمی است که ملت ما از خود بروز داد (پیام نوروزی به مناسبت حلول سال نو، ۱۳۷۴/۰۱/۰۱). امر به معروف و نهی از منکر؛ از جمله وظایف اجتماعی امت اسلامی در جامعه ولایی، امر به معروف و نهی از منکر است که در ادبیات جامعه‌شناختی به نظارت عمومی معروف است؛ این خصوصیت را هم می‌توان از جمله روش و منش رفتاری انسان مؤمن و انقلابی دانست که در بیانات رهبری به تفاریق بیان شده است (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۹/۰۹/۲۵). رهبر معظم انقلاب، امت اسلامی را به پیروی از حق و مطابق بر حق بودن توصیه کرده و تنها راه درست را در آن می‌داند. یکی از ابعاد مهم پیروی از راه حق در اندیشه ایشان، مبارزه و ایستادگی در مقابل مستکبران و خونخواران عالم است (بیانات در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰/۰۴/۱۸).

روش امت دولت‌ساز

در این نوشتار، مراد از روش، مجموعه تدابیر، تصمیمات و رفتارهای فردی، اجتماعی و

مدیریتی امت اسلامی در میدان عمل است که مبتنی بر منش و شاکله وجودی آنان است. از منظر مقام معظم رهبری، در اهداف و مبانی، ملاک ما باید «فاستقم کما امرت» باشد. به هیچ وجه عدول از مبانی و عدول از ارزش‌ها جایز نیست؛ اهداف، اهداف الهی است و هیچ تردید، شک یا ارتدادی از این اهداف جایز نیست؛ اما در روش‌ها بایستی تکامل، اصلاح، تغییر و رفع خطا، جزو کارهای دائمی و برنامه‌های همیشگی ما باشد؛ ببینیم کدام روش ما و لو به آن عادت کرده باشیم، غلط است، آن را عوض و اصلاح کنیم. باید مراقب باشیم که جای این تعبیرات عوض نشود؛ یعنی ما در زمینه‌ی اهداف، می‌گوییم استقامت؛ باید جای «هدف» را با «روش» اشتباه نکنیم. استقامت در روش‌ها لازم نیست، استقامت در اهداف لازم است. در کار روش‌ها آزمون و خطا جاری است. البته باید از تجربه‌ها استفاده کنیم که آزمون ما آزمون موفق باشد و نخواهیم که دائم تجربه کنیم و پشت سر هم اشتباه؛ اما در زمینه‌ی اهداف، بایستی قرص و محکم بایستیم و یک‌قدم پایین نیاییم (بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۳/۰۶/۳۱).

شایسته است که قشرهای گوناگون جامعه، به‌ویژه قشرهای حساس مؤثر، با دقت و تأمل، وظیفه‌ی خاصی را که در این برهه‌ی خاص بر عهده‌ی آنان است، شناخته و با قصد قربت و به‌منابهی عبادتی بزرگ، آن را انجام دهند.

در بیانات مقام معظم رهبری مجموعه‌ای از مؤلفه‌های مهم در باب تبیین روش امت دولت ساز؛ بیان شده است که به برخی از آنها در ذیل اشاره می‌شود: استمرار وظیفه‌ی اسلامی و انقلابی دفاع از جمهوری اسلامی در یاد همگان؛ افزایش فهم سیاسی و حضور در صحنه؛ همراه شدن آموزش علم با کسب مهارت و تجربه و پیشاهنگی در سمت هدف‌های والای اسلام؛ اسلامی شدن محیط آموزش و زدودن آثار سوء فرهنگ وارداتی و تقویت بنیه‌ی دینی و سیاسی دانشجویان و دانش‌آموزان؛ ریشه‌کن شدن بی‌سوادی و گسترش دانش در سطح جامعه؛ به کار گرفته شدن زبان رسای هنر در خدمت انقلاب، اسلام و تعالی افکار مردم؛ تعمیق انقلاب اسلامی و تعالی افکار عمومی با زبان هنر؛ افزایش آگاهی فضای ذهنی جامعه در فهم مسائل داخلی و جهانی از سوی اصحاب رسانه؛ ارتقای وحدت و همگرایی در خواص دولت ساز؛ نهادینه شدن روحیه‌ی انقلابی با نظم و انضباط دقیق توأم با سعه‌ی صدر نیروهای انقلابی؛ تحقق رابطه‌ی روحانیت با نظام اسلامی در دو محور ۱. حمایت و دفاع ۲. نصیحت و اصلاح (پیامدمحوری)؛ گفتمان‌سازی موضوعات

مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی اسلامی با تبیین منطقی، عالمانه، به‌دوراز زیاده‌روی‌های گوناگون و با زبان خوش؛ گفتمان‌سازی اندیشه‌های ولایت با تبیین منطقی، عالمانه، به‌دوراز زیاده‌روی‌های گوناگون و زبان خوش توسط امت دولت‌ساز؛ نهادینه شدن روحیه ضد استکباری، ضد فساد، ضد اشرافی‌گری، ضد حاکمیت تجمل‌گرایانه و زورگویانه و ضد گرایش‌های انحرافی در جنبش دانشجویی؛ (دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۸۷/۰۹/۲۴) نهادینه شدن آرمان (علم، عدالت‌خواهی، آزاداندیشی و آزادی‌خواهی) در دانشجویان؛ (بیانات در دیدار جمعی از اعضای تشکل‌ها، کانون‌ها، نشریات، هیئت‌های مذهبی و شماری از نخبگان دانشجویی، ۱۳۸۲/۰۸/۱۵) حفظ اتصال فکری دانشجو و استاد با توده‌های مردم و به شدت چسبیدن و متمسک شدن به ریشه‌های اصولی انقلاب؛ اتصال فکری دانشجو و استاد با توده‌های مردم و به شدت چسبیدن و متمسک شدن به ریشه‌های اصولی انقلاب؛ (بیانات و پرسش و پاسخ در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۰۹) تربیت امت دولت‌ساز و انسان عالم متناسب با اهداف جمهوری اسلامی (بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۰/۰۹/۲۰).

همان‌طور که مشاهده می‌شود مؤلفه‌های فوق هم در سطح نخبگان و ناظر به روش این گروه از امت می‌باشد که در سه نوع ارتباط نام‌برده شده در بالا مورد عنایت مقام معظم رهبری قرار گرفته است.

هدف امت دولت ساز

به‌عنوان اولین نتیجه‌ی ناشی از تحول معنوی و معرفتی، هدف امت دولت‌ساز عبارت است از:

ایجاد اعتقاد قلبی، اطمینان و یقین در خواص اهل حق نسبت به پیشروندگی و استمرار انقلاب اسلامی و فائق آمدن بر ضعف‌های تحمیل‌شده به ملت ایران با تکیه بر دارایی‌های درونی کشور، ارزش‌های انقلابی و هدایت‌گری ولایت مطلقه‌ی فقیه. تقویت روحیات دشمن‌شکن در میان خواص اهل حق، تقویت خودباوری در میان خواص اهل حق، باور خواص اهل حق به صدق وعده‌های الهی و کارآمدی ارزش‌های اسلامی، باور خواص اهل حق به قطعیت تحقق چشم‌انداز ۱۴۰۴ و گسترش گفتمان انقلاب اسلامی در جهان. همه این موارد در راستای تحقق دولت اسلامی است که با لحاظ مشخصاً ذکر شده به دنبال تحقق دولت اسلامی خواهد بود.

نسبت امت دولت ساز با مفهوم امت جامعه‌ساز

وقوع انقلاب اسلامی از نگاه رهبر معظم انقلاب سرآغازی برای پیمودن مسیری مهم است که مرحله بعدی آن تشکیل امت پیشرو و در صحنه و انقلابی است که معتقد به آرمان‌های انقلاب بوده و آماده فداکاری و ایثار در این راه هستند؛ گروه نخبگان و «خواص معتقد به اسلام ناب محمدی (ص) و متوجه اصول، پایه‌ها، ارزش‌ها و شعارهای اصلی انقلاب اسلامی» دارای ایمان راسخ، مؤمن و ارتباط مستحکم و نیرومند با ولایت فقیه، «دارای منش و روش اسلامی» (در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۴) به‌هم پیوسته متحد، دارای قدرت تحلیل، استوار، پویا و جویای هدف واحد که در قالب «تشکیلاتی منسجم، منظم، با تقسیم وظایف و فعالیت زنجیره‌ای»، (همان) نقشه راه تحقق جامعه نمونه اسلامی را طراحی و با فعال‌سازی و به‌کارگیری ظرفیت‌های مردمی برای تحقق آن مجاهدت و نقش اصلی را ایفا می‌کنند. این امت، امت دولت‌ساز بوده و دولت اسلامی متناسب و در طراز انقلاب اسلامی را رقم می‌زنند؛ یعنی دولتی باید ساخته شود که از بدنه‌ی نیروهای انقلابی و مؤمن و معتقد به آرمان امام خمینی برخاسته و در راه تحقق آرمان‌های امام و انقلاب تلاش خواهد کرد تا در افقی پیش‌بینی شده، اهداف نظام اسلامی را با تکیه بر منابع موجود در دولت اسلامی محقق سازد. با تشکیل چنین دولتی، می‌توان در مرحله بعد امت جامعه‌ساز به وجود آورد؛ به عبارتی، دولت اگر اسلامی بود، می‌تواند امت جامعه‌ساز را به وجود بیاورد که کاملاً با معیارهای اسلامی مطابقت نماید (همان) بنابراین، نسبت بین امت دولت‌ساز با امت جامعه‌ساز این است که امت دولت‌ساز با واسطه دولت اسلامی، به ایجاد جامعه اسلامی می‌پردازد که افراد جامعه در سایه دولت اسلامی به آرمان‌های اسلامی و انقلابی می‌پیوندند؛ این در حالی است که امت جامعه‌ساز با توجه به شعار انقلاب اسلامی به‌صورت خودجوش به صحنه آمده و در راه آرمان انقلاب حرکت می‌کنند.

وظایف و کارکرد امت دولت‌ساز

با توجه به روش و منش امت دولت‌ساز که ذکر شد، می‌توان مهم‌ترین وظایف و کارکردهای این جمع مؤمن متعبد انقلابی را بدین ترتیب ذکر کرد: تربیت انسان عالم متناسب با اهداف جمهوری اسلامی، ترویج روحیه و فرهنگ اسلامی و جلوگیری از انتشار افکار فاسد در دانشگاه‌ها، رشد انسان طراز انقلاب که الگوش فاطمه‌ی زهرا (س) است، حفظ اتّصال فکری

دانشجو و استاد با توده‌های مردم و به شدت چسبیدن و متمسک شدن به ریشه‌های اصولی انقلاب، تقویت نقش‌آفرینی و اثرگذار دانشگاه در سازندگی آینده و ترسیم حرکت عمومی جامعه، نقش‌آفرینی و پیش‌روندگی و پیش‌آهنگی دانشجو در سازندگی و ترسیم حرکت عمومی جامعه، نهادینه‌سازی پیشاهنگی و پیش‌قراولی و احساس تکلیف در دانشجویان و اساتید، نهادینه شدن آرمان (علم، عدالتخواهی، آزاداندیشی و آزادی‌خواهی) در دانشجویان، حاکم شدن گفتمان سیاسی و انقلابی و ایجاد فضای فکری در جامعه توسط دانشجویان، نهادینه‌سازی روحیه ضد استکباری، ضد فساد، ضد اشرافی‌گری، ضد حاکمیت تجمل‌گرایانه و زورگویانه و ضد گرایش‌های انحرافی در جنبش دانشجویی، شناخت درست شرایط و برخورد صحیح و آگاهانه با مسائل توسط دانشجویان، حضور مؤثر فیزیکی و فکری در مسائل عمومی کشور، هماهنگ شدن و هم‌فکری تشکل‌ها در جهت‌گیری‌ها در پیشرفت به سمت اهداف انقلاب، هوشیار شدن همگان در برابر مکر و خدعه‌ی دشمنان، افزایش فهم سیاسی و حضور در صحنه، همراه شدن آموزش علم با کسب مهارت و تجربه و پیشاهنگی در سمت هدف‌های والای اسلام. تحقق انقلاب قلبی و اخلاقی در مردم و تداوم، تعمیق و تعمیم روحیه انقلابی با تربیت نفوس توسط روحانیت، تقویت استحکام تشکیلات و سازماندهی، به کار گرفته شدن زبان رسای هنر در خدمت انقلاب، اسلام و تعالی افکار مردم، نهادینه شدن روحیه انقلابی با نظم و انضباط دقیق توأم با سعه‌ی صدر نیروهای انقلابی، زنده نگه داشتن راه و رسم دفاع از انقلاب بدون تخطی از وظایف خود، تبدیل شدن به نمونه‌ی بارز درستکاری و خلوص برای مردم، پیشتازی روحانیت در خلوص و معنویت منطقی، مستدل و صادقانه، پیکار نظری روحانیت در تقویت ایمان مردم و تولید، تبیین و تدوین فکر، نهادینه شدن ارزش‌های اسلامی در جامعه جهت تحقق دولت اسلامی توسط امت دولت‌ساز (روحانیت)، تکلیف‌شناسی و تکلیف‌مداری امت دولت‌ساز (روحانیت)، مقابله مستمر و مؤثر با تهاجم همه‌جانبه دشمنان در سطوح مختلف، مرزبندی صحیح و صریح عقیدتی امت دولت‌ساز با جبهه‌ی دشمن.

ارکان و لایه‌های امت دولت‌ساز

نقشه راه امت دولت‌ساز اسلامی، فراخوان و خیزش امت اسلامی است که تفاهم و تعاهد مجموعه‌ها و آحاد انقلابی در درون حکومت به همراه مجموعه‌ها و آحاد انقلابی در جامعه و به

تعبیر رایج «خواص انقلابی» پیرامون یک طرح کلان و مشخص است. این مجموعه دارای لایه‌ها و تحولاتی است؛

لایه‌های امت:

۱. ملازمان: مجموعه‌ای است کلان‌نگر، هدف محور، با تشکل حداقلی و هماهنگی حداکثری، که شامل ایده پردازان، طراحان و راهبردنویسان بوده و ولایی، انقلابی و معتقد به تدبیر فرآیند هستند که وظیفه‌ی زمینه‌سازی برای تشکل پیشتازان تشکیل دولت اسلامی را بر عهده دارند.

۲. پیشتازان، پیشتازان دولت اسلامی، یا دولت سازان: مجموعه‌ای است برنامه‌گرا، دارای تشکل‌های هماهنگ، با هماهنگی متوسط و برخوردار از مدیران و برنامه‌ریزان که درصدد ساماندهی و سازماندهی ساختار پیروان رهبری در تحقق دولت اسلامی است.

۳. پیروان (دولت‌مردان، دولت اسلامی، کشورسازان): مجموعه‌ای بی‌نام، جامع، متنوع و فراگیر در سراسر کشور از خواص و نخبگان انقلابی، از تمامی اقشار، تخصص‌ها و توانایی‌ها، بدون ملاحظه شخصیت حقوقی آنان در نظام که متشکل از ده‌ها هزار نفر از آحاد انقلابی و هزاران هسته و جلسه و هیئت و کانون و حلقه و مؤسسه و مرکز انقلابی است.

تحولات امت

امت‌سازی مهم‌ترین ابزار پیامبر اسلام برای جامعه‌سازی بوده است. قرآن یکی از اهداف پیامبر را امت‌سازی می‌نامد و نشان می‌دهد که چگونه و به چه روشی پیامبر اعظم (ص) به آن دست‌یافت و امت واحدی را در مدینه ایجاد کرد. از این‌رو برای دستیابی به امت اسلامی واقعی و مطلوب باید دوباره با الگوبرداری از روش پیامبر به ایجاد امت اسلامی واقعی و نمونه اقدام شود. پیامبر اسلام (ص) بر پایه‌ی آموزه‌های قرآنی، نخست به بازسازی بینش و نگرش مردم اقدام فرمود و برای این مهم با استفاده از واژگان موجود در فرآیند زمانی، مفاهیم جدیدی را به مردم القا کرد.

با بعثت پیامبر (ص)، هویت قبیله‌ای در ساختار شبه‌جزیره عربستان تحت تأثیر هویت دینی به هویت حاشیه‌ای تبدیل شد و با مهار آن، یکی از موانع ساختار دولت‌سازی پیامبر (ص) از میان برداشته شد و دولت متمرکز پیامبر به وجود آمد. لذا هویت دینی توانست افراد جامعه را زیر لوای واحد امت اسلامی سازماندهی کرده و زیرهویت‌های دیگر هم در صورت حضور، خود را در ذیل

هویت دینی بازخوانی می‌کردند.

ایزوتسو ظهور اصطلاحات جدیدی چون مؤمنان، مجاهدان، منافقان، مشرکان و یا انصار و مهاجرین و امت اسلامی را سازه‌های فکری و هویت‌بخش جدیدی می‌داند که بعد از ظهور اسلام وارد ساختار فکری اعراب شد و به‌طور انقلابی و بنیادین نگرش هستی‌شناختی آنان را دگرگون کرد (توشی هیکو ایزوتسو، *خدا، انسان در قرآن*، صص ۲۲ و ۸۹).

از نظر مقام معظم رهبری، تحول امت در جامعه اسلامی و در روند انقلاب اسلامی و کسب ظرفیت لازم برای تحقق دولت اسلامی، مستلزم تحولات چهارگانه‌ای است؛ تحول ایمانی، تحول گفتمانی، تحول ساختاری، تحول رفتاری.

تحول ایمانی

شامل تحول معنوی، معرفتی و باورمندسازی است؛ در تحول معنوی، تحول درونی انسان اساس همه‌ی تحولات شمرده‌شده است؛ معنویت و تحول درونی انسان، زندگی او را هدفدار خواهد کرد (دیدار با جمع کثیری از پاسداران به مناسبت سالروز میلاد امام حسین(ع) و روز پاسدار، ۱۳۸۱/۰۷/۱۷). تحول معنوی و درونی هم شامل همه‌ی آحاد جامعه و مسئولین خواهد بود.

مرحله بعدی تحول معرفتی است؛ در ادبیات رهبر معظم انقلاب، انقلاب اسلامی، انقلاب بر اساس عقلانیت است که مبتنی بر حکمت و مصلحت و عدالت در همه ابعاد و زمینه‌هاست (بیانات در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه و روسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، ۱۳۸۳/۰۵/۱۱) موقعیت‌شناسی و زمان‌شناسی و فهم عمیق دین و فقه نیز از لوازم تحول معرفتی در دنیای امروز بر مبنای تعالیم اسلامی است.

لایه‌ی بعدی تحول ایمانی، باورمندسازی است، باورمندسازی خواص اهل حق به‌عنوان اولین نتیجه‌ی ناشی از تحول معنوی و معرفتی، عبارت است از: ایجاد اعتقاد قلبی جازم، اطمینان و یقین در خواص اهل حق، نسبت به پیشروندگی و استمرار انقلاب اسلامی و فائق آمدن بر ضعف‌های تحمیل‌شده به ملت ایران با تکیه بر دارایی‌های درونی کشور، ارزش‌های انقلابی و هدایت‌گری ولایت مطلقه‌ی فقیه.

تحول گفتمانی

تحول گفتمانی نوع دیگری از تحولات چهارگانه امت است؛ گفتمان شبکه‌ای از رفتارها، پندارها و گزاره‌ها است که باورهای معین یا مجموعه‌ای از ایده‌ها درباره‌ی یک مفهوم یا موضوعی خاص را بیان نموده، به آن انگاره‌ها صورت طبیعی داده به‌عنوان نظریه‌های پذیرفتنی مطرح می‌نماید؛ به عبارتی دیگر، گفتمان یعنی اینکه یک مفهوم و معرفت در برهه‌ای از زمان در یک جامعه همه‌گیر بشود، که این هم نیاز به کار برنامه‌ریزی شده و فعال دارد. گفتمان باعث ایجاد فکر و اندیشه شده و نهایتاً در صورت توأم بودن فکر و اندیشه با تعهد و احساس مسئولیت، عمل و اقدام را در پی خواهد داشت. یکی از مهم‌ترین تأثیرات همین فکر کردن‌ها این است که شما فضاسازی می‌کنید، گفتمان‌سازی می‌کنید. در نتیجه، در یکی فضای معتقد به یک مبنای فکری یا عملی، رئیس‌جمهور همان جور فکر می‌کند، وزیر همان جور فکر می‌کند، مدیرکل هم همان جور فکر می‌کند، کارکنان هم همه همان جور فکر می‌کنند.

تحول ساختاری

در این نوع تحول، تمامی ارکان نظام با توجه و بر مبنای اسلام و گفتمان غالب انقلاب شکل می‌گیرند؛ چراکه هم‌اکنون شاید بسیاری از زیرمجموعه‌های نظام متناسب به‌نظام باشند، ولی متصل به بدنه‌ی انقلابی بر مبنای تعلیمات معرفتی اسلام نیستند و در مواردی خلاف آن عمل می‌کنند که لازم است این تحول ساختاری در بدنه نیروهای نظام صورت بگیرد.

تحول رفتاری

تحول دیگر، تحول رفتاری است؛ در صورت تحول ساختاری، رفتار آحاد جامعه بر اساس معارف الهی و اسلامی و در چارچوب ساختار حاکم متحول خواهد شد.

نتیجه‌گیری

هدف مهم رسالت در برانگیختگی پیامبر اکرم (ص)، هدایت‌گری انسان‌ها در مسیر انسانیت واقعی است. ماهیت اجتماعی انسان ایجاب کرد که فرستاده الهی سازوکار انسان‌سازی را در قالب‌های اجتماعی طراحی و در مسیر تحقق آن حرکت کند. این پژوهش با الهام گرفتن از منابع

دینی و تاریخی به تبیین نگاه مقام معظم رهبری در زمینه‌ی ایجاد تمدن نوین اسلام در جهان مدرن پرداخته که با الگوگیری از حرکت عظیم پیامبر اکرم (ص) در تاریخ صدر اسلام به تبیین نظام جمهوری اسلامی ایران و تبیین مراحل ایجاد یک نظام اسلامی می‌پردازد. در این مسیر ضمن بازشناسی عناصر مهم در تحقق این مهم به واکاوی و تبیین امت دولت ساز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حلقه‌های واسط برای ایجاد دولت اسلامی و نظام اسلامی پرداخته شد که مهم‌ترین مؤلفه‌های منش و روش این گروه از جامعه انقلابی با بهره‌گیری از محتوای بیانات مقام معظم رهبری استخراج و چهره امت دولت ساز از حیث هدف، وظایف، کارکردها و لایه‌های تحولی آن ترسیم شد. آگاهی به جایگاه و وظایف هرکدام از لایه‌های تحولی جامعه نقشه راه را برای تک‌تک افراد امت اسلامی روشن و ضمن تقویت روحیه انقلابی به ایشان کمک می‌کند تا به‌طور منطقی در مسیر صحیح قرار گیرند.

تشکر و قدردانی

مقاله حاضر مستخرج از طرح پژوهشی با کد ۱۴۰۲/۲۲ می باشد، لذا نویسندگان مقاله بر خود لازم می‌دانند از معاونت پژوهشی و فناوری دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان به دلیل حمایت‌های مادی و معنوی تشکر و قدردانی نمایند.

منابع

- قرآن کریم
- ایزوتسو، توشی هیکو، خدا، انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۴
- باقری، مسلم و علی، اصغر مباشری (۱۴۰۰)، آسیب‌شناسی کارگزاران در تحقق دولت اسلامی در روند شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای؛ دوفصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلام؛ دوره ۴ ش ۲، صص ۸۵-۱۱۰.
- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، سازمان انتشارات جاویدان، تهران، ۱۳۶۲.
- حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۰، قم، مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام)، ۱۴۰۹ق.

- خامنه‌ای، سید علی حسینی؛ طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، نشر فرهنگ اسلامی و مرکز صهبا، تهران، چاپ نخست دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۴ش و چاپ نخست صهبا، ۱۳۹۲ش.
- خدادی حسن، منیری حمزه کلایی، حمیدرضا (۱۳۹۸)، «الگوی جستاری تشکیل دولت اسلامی با تأکید بر امت دولت ساز» پژوهش‌های سیاست اسلامی، دوره ۷، ش ۱۶، صص ۱۶۵-۱۸۳
- ردادی، محسن (۱۴۰۰)، منش اعتمادساز کارگزاران دولت در تراز تمدن اسلامی بر اساس آموزه‌های نهج البلاغه؛ دوفصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۴، ش ۲، ص ۲۱۷.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن؛ الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، مکتبه آیت‌الله المرعشی النجفی (ره)، قم، ایران، ۱۴۰۴ ق.
- شاذلی، سیدبن قطب، فی ظلال القرآن، ۱۴۰۰ ق، دار الشروق.
- شیخ صدوق، محمدبن علی بن بابویه ۱۴۱۳ق، من لایحضره الفقیه، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
- طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، ۱۳۴۸ش
- طبرسی، فضل بن حسن ۱۴۱۲ق، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، ج ۴، ص ۵۳۳
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان لعلوم القرآن، تحقیق محلاتی و طباطبائی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۸ق
- فولادی، محمد و حسینی فاطمه، سادات (۱۳۹۸)، تحلیلی بر ابعاد و مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی؛ از منظر مقام معظم رهبری؛ نشریه معرفت فرهنگی اجتماعی، ش ۱.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۷۵، بیروت انتشارات دارالاحیاء التراث العربی، ۱۳۰۳
- محمدبن یعقوب، کلینی، اصول کافی، ج ۳، بی‌جا، نشر مؤسسه قائم آل محمد (عج)، ۱۳۸۵
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۰، تهران، دارالکتب الإسلامیة، چاپ اول، ۱۳۷۴ش، صص ۳۵۵-۳۵۹.
- المناوی، عبدالرؤوف، فیض القدیر شرح الجامع الصغیر، المکتبه التجاریة الكبرى - مصر، ۱۳۵۶

- میرزایی، خلیل؛ فرهنگ توصیفی علوم اجتماعی، نشر فوزان، تهران، ۱۳۹۴ ش.
- نایب، علیرضا و پیری، محمدرضا (۱۴۰۱)، نقش منابع معرفتی در تمدن نوین اسلامی؛ دوفصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۵، ش ۱، صص ۱۶۱-۱۹۰.
- نجفی، محمدحسن؛ جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، قم، المکتبه اسلامیة، ۱۳۶۲
- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت، ج ۳، ص ۴۶۰ و ج ۸ صص ۲۹۵، ۲۶۱ و ۳۰۳.

References

- Holy Quran
- Al-Manawi, Abd al-Raouf, *Fayz al-Qadir, Sharh al-Jame al-Saghir*, Al-Kubrah Commercial Library - Egypt, 1356. [In Persian]
- Bagheri, Molem and Ali Asghar Mubasheri; The pathology of agents in the realization of the Islamic state in the process of the formation of the new Islamic civilization in the view of Ayatollah Khamenei; *Bi-quarterly journal of fundamental studies of modern Islamic civilization*; Volume 4, No. 2, Serial No. 8, Mehr 1400, pp. 110-85, Shahid University of Tehran. [In Persian]
- Fuladi Mohammad and Hosseini Fatemeh Sadat; An analysis of the dimensions and components of modern Islamic civilization; From the perspective of the Supreme Leader; *Social Cultural Knowledge Journal*, 11th year, number 1 (41series, winter 2018). [In Persian]
- Horr amoli, Muhammad bin Hassan, *Vasal al-Shia*, Volume 10, Qom, Al-Al-Bayt Institute (peace be upon them), Qom, 1409 AH. [In Persian]
- Izutsu, Toshi Hiko, *God, Man in the Qur'an*, translated by Ahmad Aram, Tehran: Scientific and Cultural Publications, (1374) [In Persian]
- Khamenei, Seyed Ali Hosseini; Outline of Islamic thought in the Quran, Farhang Islamic Publishing House and Sahba Center, Tehran, first edition of Farhang Islamic Publishing House: 1354 and first edition of Sahba 1394, [In Persian]

- Khodadi Hassan, Moniri Hamza Kalaei Hamidreza; The article "Research Model of Islamic State Formation with Emphasis on the State-Building Ummah" *Islamic Politics Research*, 2018, Volume 7, Number 16, Pages 165-183, [In Persian]
- Majlesi, Mohammad Baqer, *Bihar al-Anwar*, vol. 75, Beirut, Daralahiya Al-Tarath Al-Arabi Publications, 1303, [In Persian]
- Makarem Shirazi, Nasser, *Tafsir Nemooneh*, vol. 10, pp. 355-359, Tehran, Dar al-Katb al-Islamiyya, first edition, 1374. [In Persian]
- Mirzaei, Khalil; *Descriptive culture of social sciences*, Fujan Publishing House, Tehran, 1394. [In Persian]
- Mohammad bin Yaqoub, Kilini, *Usul Kafi*, Vol. 3, No Place, Qaim Al-Mohammad Publishing House, 1385, [In Persian]
- Najj, Alireza and Piri Mohammadreza; The role of knowledge sources in modern Islamic civilization; *Two Quarterly Journal of Fundamental Studies of Modern Islamic Civilization*, Volume 5, Number 1, Serial Number 9, April 1401, Pages 161-190, Shahed University, Tehran. [In Persian]
- Najafi, Mohammad Hassan; *Jawaharlal Kalam in the Shari'ah of Islam*, Qom, Islamic Library Publications, 1362. [In Persian]
- Nouri, Mirzahosein; 1408 *Mustardak Al-Vsayil*, Qom, Alo-Bayt Foundation, Volume 3 and Volume 8. [In Persian]
- Payandeh, Abolqasem, *Nahj Al-Fasaha*, Javidan Publishing Organization, Tehran (1362). [In Persian]
- Redadi, Mohsen; The trust-building behavior of government officials in the level of Islamic civilization based on the teachings of Nahj al-Balagha; *Bi-quarterly journal of fundamental studies of modern Islamic civilization*; Volume 4, Number 2, Serial Number 8, Mehr 1400, Pages 217-240, Shahed University of Tehran. [In Persian]
- Shazli, Seyyed Ibn Qutb, *in the shadows of the Qur'an*, p. Q. 1400 Dar al-Sharrooq, [In Persian]
- Sheikh Sadouq, Muhammad bin Ali bin Babeveyh. 1413. *Q. Man La Yahzorho Al-Faqih*, Qom, Jama'et Modaresin Publications. [In Persian]

- Siyuti, Jalaluddin Abdurrahman; *Al-Dur Al-Manthur in Al-Tafsir with Al-Mathur*, School of Ayatollah Al-Marashi Al-Najafi (RA), Qom, Iran, 1404 A.H. [In Persian]
- Tabarsi, Fazl bin Hasan, *Majma al-Bayan Le-Uloom al-Qur'an*, research of Mahalati and Tabatabai, Beirut: Dar al-Marafa, 1418 AH. [In Persian]
- Tabarsi, Fazl bin Hassan. 1412 AH *Majmau al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*, Beirut, Institute of Arabic History, Volume 4. [In Persian]
- Tabatabaei, Mohammad Hossein, *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*, translated by Mohammad Baqer Mousavi Hamedani, Qom, Dar al-Elm Press Institute, 1348. [In Persian]
- <https://farsi.khamenei.ir/>

